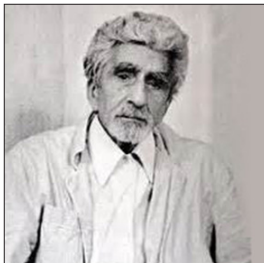


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

سیاست پیشهٔ وطن دوست



محمد پروین گنابادی سال ۱۲۸۲ در کاخ گناباد متولد شد. پدرش عباس امیری دلویی ملقب به شمس‌الذاکرین دلوویی مردی روحانی و اهل علم بود.

از پانزده سالگی برای ادامه تحصیل به مشهد رفت و وارد مدرسه فاضل‌خان شد. مدتی بعد در زمره شاگردان برجسته ادیب نیشابوری درآمد و با اشارت وی تخلص «پروین» را برگزید و بعدها با توجه به علاقه‌ای که به زادگاهش داشت «گنابادی» را نیز بدان افزود. وی مردی بود سختکوش، دستدار ایران و زبان و ادبیات فارسی، و بدین منظور از دو طریق فعالیت می‌کرد:

کار سیاسی و کار آموزشی.

فعالیت‌های سیاسی وی در حزب توده ایران سبب شد در سال ۱۳۲۲ از طرف مردم سبزوار به مجلس شورای ملی فرستاده شود. در مجلس شورای ملی عضو فراکسیون توده بود. کارهای آموزشی وی در سطوح مختلف از دبستان شروع و به تدریس در دانشگاه تهران خاتمه یافت. در تنظیم لغت‌نامه دهخدا بسیار فعال بود و بسیاری از سرفصل‌های این لغتنامه را نوشت و بسیاری دیگر را اصلاح کرد.

استاد پروین علاوه‌بر ترجمه، در زمینه‌های دستور زبان فارسی، تصحیح متون، ادبیات عامیانه،

عرفان و لغت به صورت جدی وارد شد و الحقی در تمام این زمینه‌ها تسلط استادانه خود را نشان داد. از

جمله آثار متعدد گنابادی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ترجمه مقدمه ابن خلدون، ترجمه روح‌تربیت اثر گوستاو لوبون، دستور زبان فارسی و خودآموز املا و انشا، تصحیح تاریخ بلعمی و…

محمد پروین گنابادی دوم شهریور ۱۳۵۷ بر اثر بیماری و در گمنامی و فقر بدرود حیات گفت.

خودزنی / محیط زیست

کارشناس محیط زیست با ضربات چاقوی افراد ناشناس مجروح شد

به‌روایت پایگاه خبری دیده‌بان محیط‌زیست و حیات وحش ایران (iew) صبح‌روز پنجشنبه ۲۹/۵/۹۴ آقای عبدالرضا سپهری کارشناس نظارت و پایش اداره کل حفاظت محیط زیست استان خراسان رضوی از سوی افراد ناشناس مورد سوء قصد قرار گرفته و با ضربات چاقوی ضاربین به شدت مجروح شد. ساعت ۷/۱۵ روز پنجشنبه زمانی که مهندس سپهری از منزل خارج شده‌و پیاده‌در حال عزیمت به محل کار خود (اداره کل حفاظت محیط زیست استان خراسان رضوی) بوده است، دورا یک‌یک موتورسیکلت که صورت‌های خود را پوشانده بودند در خیابان صدف مشهد به‌وی حمله کرده و ایشان را با ضربات چاقو از ناحیه سر و صورت مجروح می‌کنند.

ضاربین بدون سرقت هیچ‌کدام از اموال آقای سپهری محل را ترک کرده و متواری می‌شوند. پس از این حادثه با حضور نیروهای انتظامی و عوامل اورژانس، کارشناس محیط زیست استان خراسان رضوی به بیمارستان فارابی مشهد منتقل شده و تحت مداوا قرار می‌گیرد. آقای عبدالرضا سپهری از ناحیه پیشانی، بینی و گونه‌مورد اصابت چاقو و جسم سخت قرار گرفته است و ضمن ایجاد کبودی در این نواحی، زخم‌های صورت‌وی با هفت پخیه دوخته شده است. مدت‌هاست فاضلاب کارخانه‌ها، واحدهای صنعتی و خدماتی مشهد مستقیما وارد رودخانه حفاظت شده کشف رود شده و آب این رودخانه را به شدت آلوده ساخته است. همچنین کشاورزان مشهد با پمپاژ و استفاده از آب آلوده این رودخانه اقدام به زراعت محصولات کشاورزی نموده و این امر سلامت شهروندان مشهد را تهدید می‌کند. در این راستا کارگروهی به‌نام کارگروه نجات رودخانه کشف رود به ریاست معاون عمرانی استاندار خراسان رضوی تشکیل شده است تا نسبت به ساماندهی و برخورد با واحدهای آلوده‌کننده این رودخانه اقدام شود. این کارگروه شامل نمایندگان از فرمانداری، جهاد کشاورزی، آب منطقه‌ای، نیروی انتظامی، دادگستری، دانشگاه علوم پزشکی و محیط زیست است که آقای عبدالرضا سپهری به عنوان کارشناس و نماینده سازمان حفاظت محیط زیست در کمیته فنی این کارگروه حضور دارد.

تعیین آلاینده‌بودن یا نبودن واحدهای صنعتی و راهکارهای لازم‌الاجرا برای تصفیه و جلوگیری از ورود فاضلاب آلوده به کشف رود توسط کمیته فنی کارگروه تعیین می‌شود در صورت عدم رعایت استانداردهای لازم، واحدهای صنعتی مربوطه جهت برخورد قانونی به دیگر کمیته‌های کارگروه معرفی می‌شوند. یکی از مصوبات کارگروه نجات کشف رود در سال جاری تعطیل شدن هفت واحد صنعتی و خدماتی آلاینده بوده است که این واحدها در تاریخ ۲۴/۵/۹۴ در راستای مصوبه کارگروه و با دستور مقام قضایی بلمب شده‌اند. در گذشته نیز تعدادی از واحدهای صنعتی و خدماتی آلاینده کشف رود با مصوبه این کارگروه بلمب شده‌اند. آقای عبدالرضا سپهری کارشناس نظارت و پایش اداره کل حفاظت محیط زیست استان خراسان رضوی از کارشناسان جدی و سختگیر در این زمینه بوده است که تاکنون چندین نوبت از سوی صاحبان ثروتمند برخی از واحدهای صنعتی بلمب شده تهدید شده است. پیش از این حادثه در رابطه با تهدید آقای عبدالرضا سپهری، پرونده‌ای نیز در مراجع قضایی استان خراسان تشکیل و تعدادی از عاملین تهدیدی در دادگاه محکوم شده بودند اما همچنان به تهدید این کارشناس ادامه می‌دادند.



فارسی را پاس بداریم

بهاء این کتاب یا بهای این کتاب؟

یادش به خیر! روزی روزگاری در سال‌هایی نه چندان دور در اداره‌ای نیمه‌دولتی مشغول به کار بودم. در آن اداره، رئیس بنده و همکارانم میان من و آچار فرانسه هیچ تفاوتی قائل نبودند. در کنار کار پژوهشی و اجرایی و بانکی و غیره و ذلک، یکی از وظایف معمولم ویرایش نامه‌های اداری بود.

رئیس بنده که مردی بود محترم و محتشم، نمی‌دانم چرا از سر عادت، واژه «بها» را «بهاء» می‌نوشت. بیش از صد بار پیش آمد که با ادب و احترام، همزه را از پایان واژه حذف کنم اما رئیس محترم نمی‌دانم چرا حذف همزه را به حساب عربی ستیزی می‌من گذاشت و از آنجا که زبان عربی را جلوه‌ای از جلوه‌های اسلام می‌دانست، همزه را با اصرار و الحاح به پایان واژه بها می‌چسباند.

یک روز که دیدم توضیحات شفاهی‌ام در رفع این غلط نگارشی کارگر نمی‌افتد، آنچه را که ابوالحسن نجفی در کتاب غلط‌نویسیم ذیل مدخل «بها/بهاء» آورده است، در

| اوقات شرعی: اذان صبح: ۴:۵۷ | اذان ظهر ۱۳:۰۷ | غروب آفتاب: ۱۹:۴۴ | اذان مغرب: ۲۰:۰۳ |

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

شکست عاشقانه با صدای گنجشک‌ها

چشمه دو مجموعه شعر جدید منتشر کرد

نشر چشمه یکی از ناشران فعال در حوزه انتشار شعر است و همواره در کنار انتشار مجموعه اشعار شاعران طراز اول امروز و دیروز، چهره‌های جوان و کمترشناخته‌شده شعر نورا هم در قالب مجموعه «جهان تازه شعر» به علاقه‌مندان معرفی می‌کند. این ناشر به تازگی دو مجموعه شعر با نام‌های «فلافل، عاشقانه‌ها و چند چیز دیگر» و «شهر یور مرد در مرداد» را روانه بازار کتاب کرده است. در ادامه معرفی مختصری از این دو کتاب را از نظر می‌گذرانیم.

فلافل، عاشقانه‌ها و چند چیز دیگر

این مجموعه که شامل ۵۰ شعر کوتاه‌هایکووار است، چندی پیش برنده جایزه شعر خبرنگاران شد. عناوین برخی اشعار درج‌شده در کتاب به این شرح است: «اماد رخت»، «در گریز از خانه مقتول»، «تقصیر پرندگان است»، «از چشم‌غول‌های زیادی»، «به گرمای آنجاراضی بود»، «کشتی از همین حالا»، «جام‌ملت‌های اروپا زیباست»، «نخل‌های بزرگ‌تر»، «سببی از دست نیفتد»، «از آتش تو»، «در بازگشت به خانه»، «علامت تعجب است زیرسیگاری»، «میان عشق و دوست داشتن»، «از درخت سیب»، «چشم‌هایت را»، «پیش از من»، «نصف‌پلک‌های این جنگل» و «تاریکی گیسوانت».

در یکی از شعرهای این مجموعه می‌خوانیم:

اماد رخت

تو با همه زیبایی‌ات

از تعریف یک چوک بامزه عاجزی

وگرنه برای یک شکست عشقی ساده

جنگلی را به آتش نمی‌کشیدی»

و در شعری دیگر: «در گریز از خانه مقتول

ای بی‌تو فراخای جهان بر ماتنگ
ما را به تو فخرست و تو را از ماتنگ
ما پا تو به صلجم و تو را یا ما چنگ
آخر نینگویی که دل‌ست این یا سنگ؟
(سعدی شیرازی، قرن هفتم، رباعیات)

سوت پایان

اثر انگشتت را به جامی‌گذاری

اما پلیس‌ها

به دنبال لب‌هایت بودند»

شهر یور مرد در مرداد

این کتاب نیز شامل ۴۵ شعر کوتاه است. «سکوت سیاه»، «دختران جنگ»، «چه کسی نقشه این قتل را کشید»، «معجزه»، «خودنویسی با جوهر صلح»، «قهوه فجری»، «کمی استراحت کن»، «دندان‌واژه‌ها»، «زمین جای تو»، «کات»، «دورروایت از نجلا»، «چند نفس عمیق»، «خانه‌ای نوساز در بهشت»، «نریل بوسه‌ها»، «سربازی برای قلعه شنی» نام برخی از شعرهای این مجموعه است.

در یکی از شعرهای «شهر یور مرد در مرداد» می‌خوانیم:

«برده به پرده

تمام نت‌ها شاهدند

تیر برق‌های شهر

با خط‌های حامل‌شان

کالاغ‌ها را

باسکوت‌های سیاه اشتباه گرفته‌اند

شهر پُر از آدم سیاهی است

که دایم سکوت به هم تعارف می‌کنند

تمام نت‌ها شاهدند

من پرده‌ها را می‌کشم و ساعت‌ها را

با صدای گنجشک‌ها کوک می‌کنم

تا فردا / دارکوب‌ها

تهیای جنگل را ضرب بگیرند»



«فلافل، عاشقانه‌ها و چند چیز دیگر»

مصطفی غضنفری

نشر چشمه

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۷ هزار تومان

۸۶ صفحه

شهر یور مرد در مرداد

سمیرا نیک‌نوروزی

نشر چشمه

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۷ هزار تومان

۹۶ صفحه

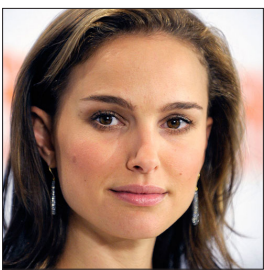
گردش روزگار برعکس است



نمایشگاه کار بیکار تورهای سیاسی «اس داعیل»

با کاروان حله / اخبار هنر

ناتالی پور تمن و تاکید یهودیان بر هولوکاست



ناتالی پورتمن اعتقاد دارد جامعه یهودیان باید از تمرکز بیش از حدروی موضوع هولوکاست دست بردارد. او از جامعه یهودیان خواست تا میزان توجه و تمرکزشان را بر هولوکاست، در مقایسه با سایر جنایات مورد بررسی قرار دهند. پورتمن به ایندیندنت گفت پس از بازدید از موزه‌ای در باره نسل‌کشی رواندا به این نتیجه رسیده، و متوجه این موضوع شده که علی‌رغم آنکه این اتفاق در زمان تحصیل او اتفاق افتاده اما

او چیزی در باره آن در مدرسه نشنیده، در حالی که در همان زمان در مدرسه، هولوکاست در صدر تمام مسائل قرار داشته است. او در این باره گفت : «من شگفت‌زده شدم وقتی دریاقتم نسل‌کشی رواندا در زمانی که من مشغول تحصیل بوده‌ام، در جریان بوده است. به ما همواره درباره هولوکاست می‌آموختند، و هیچ‌گاه به این موضوع (نسل‌کشی رواندا) اشاره‌ای نمی‌کردند. این دقیقاًمشکلی است که این شیوه آموزش در خود دارد.» او در ادامه افزود: «باید بدانیم نفرت و دشمنی عداوت وجود داشته، و این موضوع به ما یادآوری می‌کند که باید با دیگر مردمانی که این‌گونه عداوت‌ها را تجربه کرده‌اند، همدلی کنیم. نباید از این‌گونه اتفاقات به عنوان راهی پارتونید برای اندیشیدن به این موضوع که قربانی هستیم، استفاده کرد. آنگونه که گمان کنیم انگار قرار است هولوکاست دیگری اتفاق بیافتد.» به عقیده پورتمن: «اکنون زمان آن است که بدانیم کینه و عداوت علیه تمام مردمان دنیا وجود دارد، و از این آگاهی به عنوان وسیله‌ای برای همدلی استفاده کنیم و در مقابل سوءظن و بدگمانی بایستیم.»

اجرای مشترک موسیقی کردی و لری



گروه موسیقی تال با همراهی گروه آوای عدلیب ۵ شهریورماه، موسیقی لری و کردی را به صورت مشترک در تالار وحدت اجرا می‌کنند. اشکان اقوامی تهیه‌کننده این کنسرت با اعلام این خبر به هنرانلاین گفت: گروه موسیقی تال و آوای عدلیب پنج‌شنبه پنجم شهریورماه، موسیقی فولک کردی و لری را در یک کنسرت مشترک ارائه خواهند داد. این کنسرت با همکاری تصویر موسیقی و موسیقی‌ما

برگزر می‌شود. اقوامی ادامه داد: این کنسرت بر اساس قطعاتی از ساخته‌های فرج علیپور، مسلم علیپور، شاهو عدلیبی و ایرج عدلیبی ساخته شده است، همچنین تنظیم قطعات را نیز میلاد علیپور برعهده دارد. تنظیم قطعات کردی با شاهو عدلیبی و تنظیم قطعات لری با آقای علیپور انجام شده و به همین خاطر همان ساختار و صدادهی موسیقی خاص کردی و لری در این قطعات شنیده می‌شود.

وی به ریزتوار اجرایی در این اشاره کرد و گفت: کنسرت در دو بخش لری و کردی است؛ اما برنامه جدا از هم نیست و گروه نوازندگان هم یکسان است، همچنین برای جلوگیری از یکنواختی برنامه، به صورت پشت سر هم یک آهنگ لری اجرا می‌شود و یک آهنگ کردی. ترانه‌های لری توسط فرج علیپور و ترانه‌های کردی توسط شاهو عدلیبی خوانده می‌شوند.

گروه موسیقی تال با همراهی آوای عدلیب روز پنجشنبه ۵ شهریورماه در تالار وحدت برگزار خواهد شد. تهیه‌کنندگی این کنسرت برعهده اشکان اقوامی است.

خود را نپرداخته‌اند». اما غرض گوینده فقط این بوده است که «در جامعهٔ ما به مصرف انرژی اهمیت کافی نداده‌اند».

بها دادن در فارسی هرگز به معنای «اهمیت دادن» نبوده است. جمله‌هایی مانند «ما به تکامل تاریخی بشر بها می‌دهیم» و «نیاید به سخن این باوه‌گویان بها داد» که این روزها فراوان شنیده می‌شود تقریباً بی‌معنی است. در سال‌های اخیر ترکیبات غلط دیگری نیز از روی بها دادن ساخته‌اند، مانند «بر بها دادن» و «کم بها دادن». مثلاً می‌گویند: «هنرمندان به ابداع و ابتکار پر بها می‌دهند». برای بیان این معنی در فارسی معادل‌های فراوانی بوده و هست و همیشه می‌توان آنها را به کار برد، مانند ارزش نهادن، ارج گذاشتن، اهمیت دادن، اعتبار قائل شدن، مهم شمردن، قدر شناختن، وقع نهادن و جز اینها.

در متون کهن وزن نهادن نیز به همین معنی به کار رفته است: «از آن زندگانی که در فراق دوستان گذرد چه لذت توان یافت؟ و کدام خردمند آن را وزنی نهاده است و از عمر شمرده؟»

نامه‌ای خطاب به ایشان نوشتم و روی میزشان گذاشتم: «بها واژه فارسی و به معنای قیمت است و در پایان همزه ندارد. بنابراین نباید گفت: «بهاء» این کتاب هزار ریال است.» اما بهاء، با همزهٔ پایانی، کلمهٔ عربی و به معنای «فروغ و روشنائی» است و برای اینکه با بهای فارسی اشتباه نشود بهتر است که همزهٔ پایانی آن در نوشتن حفظ شود.

البته آن نامه اداری موثر واقع نشد و رئیس بنده -لااقل تا وقتی من در آن اداره مشغول به کار بودم- بها را بهاء می‌نوشت.

حالا که بحث به اینجا رسید بگذارید ببینیم استاد نجفی در ادامه در باره بها چه گفته است: «بها به معنای «قیمت» است و بها دادن یعنی «قیمت را پرداختن». بنابراین اگر گفته شود: «در جامعهٔ ما به مصرف انرژی بها داده نشده است» معنایی جز این نمی‌دهد که «مصرف انرژی برای جامعهٔ ما مفت تمام شده است» یا چه بسا «افراد جامعهٔ ما بهای انرژی مصرفی